

بررسی تطبیقی رمان‌های «شیکاگو» از علاء‌الأسوانی و «همسایه‌ها» از احمد محمود

ماندانا منگلی*

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۴

چکیده

رمان «شیکاگو» (۲۰۰۷م) یکی از قدرتمندترین و مخاطب‌پذیرترین رمان‌های معاصر جهان در حوزه فرهنگ و ادب است. علاء‌الأسوانی (متولد ۱۹۵۷م) نویسنده نامدار مصری، در رمان «شیکاگو» به تعارض‌های زندگی مصری-آمریکایی می‌پردازد. تعارض‌هایی که حاصل رفتارهای یک جوان مصری در آمریکا است. احمد محمود (۱۳۱۰-۱۳۸۱ش) از نویسندگان مکتب جنوب، در ایران است و رمان «همسایه‌ها» متناسب با دوره کودتای سال ۱۳۲۸ یعنی نیمه اول قرن ۲۰ به نگارش در آمده است و به خواننده از لحاظ بسیاری از مسائل یکنواخت در نوع مشکلات و جو حاکم بر کشورها و مردم استعمارزده جهان سوم پرداخته و آن‌ها را به تصویر می‌کشد. سمبلیسم در هر دو اثر وجود دارد. زمان و مکان و تعدد شخصیت‌ها و طرح و پیرنگ و عناصر داستانی در هر دو بسیار قوی است. اسوانی از طریق جامعه روشنفکر به ظلم و تبعیض نگاه کرده و رسوخ بی‌کفایتی‌های هیأت حاکمه را در این بخش از جامعه و حتی در خارج از مرزها می‌بیند. ولی احمد محمود نگاهی انتقادی به شرائط حاکم بر مردم دارد و این موضوع را با مضمون فقر و فلاکت دنبال کرده است.

کلیدواژگان: عناصر داستان، محتوا، ساختار، نماد، سنت و تجدد.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

تطبیق ادبیات ملت‌ها برای کشف مناسبت‌های فکری و هنری و دادوستدهای فرهنگی در عصر حاضر ضرورتی انکارناپذیر است و چه بسا به تقویت مناسبات فرهنگی و روابط فکری ملل کمک کند. شاید هیچ متنی به بلندای ادبیات داستانی معاصر در بازنگری و واکاوی کیفیت مناسبات یادشده نباشد؛ زیرا ادبیات داستانی به ویژه رمان غالباً در ظرف گفتمان زمانه آفریده می‌شود و ضمن تأکید بر حقیقت‌مانندی برای جذب و باورمندی مخاطبان بدان، بازنمایی روایت‌های گوناگون و متکثر انسان معاصر از ماهیت خویش، هویت فردی و اجتماعی، نحوه نگرش به هستی و زمانه است. لذا بسیاری از رمان‌های مدرن را نباید منتسب به یک ملت و محصور به فرهنگی خاص و محدود به زمانی کوتاه دانست، بلکه اثری فرازمانی و فرامکانی است؛ زیرا در تعامل و گفت‌وگو با فرهنگ، فلسفه و مفاهیم انسانی و روان‌شناختی نگاشته شده است و بازتابی از موقعیت انسان معاصر در تعامل و تقابل با روزگار محسوب می‌شود.

ادبیات تطبیقی جایگاه بسیار مهمی در ادبیات معاصر پیدا کرده است و طبیعتاً مهم‌ترین ویژگی‌های آن آشنایی با افکار و اندیشه‌های ادبیات معاصر و تبادل افکار و ارائه جهان شمولی در دیدگاه‌ها و بینش و اندیشه‌های ملل مختلف می‌تواند باشد. شباهت‌های وجه اختلاف موجود در دیدگاه‌های ناقدان و تطبیق وجه اختلاف و وجه شباهت آن‌ها، با توجه به نوع دیدگاه مذهبی و جغرافیایی و وجه اشتراک‌های مختلف دیگر می‌تواند منجر به توسعه و رشد ادبی در بین ملت‌ها و خصوصاً ایران با کشورهای منطقه شود که این امر بر تعالی فرهنگی و رشد آن می‌افزاید.

در میان ادبیات داستانی ملل مختلف گاه آثاری یافت می‌شود که هم از نظر موضوع و درونمایه و هم از نظر ساختار و نحوه روایت بسیار به یکدیگر شبیه‌اند. بی‌گمان آنچه در تعامل و گفت‌وگوی میان آثار ادبی کشورها می‌تواند اهمیتی بیش‌تر داشته باشد. آثاری هستند که در مسیر اقبال و توجه عام و خاص نقشی بنیادین در جریان‌سازی ادبی و همراهی با تحولات فکری و اجتماعی ملت خویش دارند، رمان‌های «شیکاگو» و «همسایه‌ها» از این قسم آثار ادبی هستند.

مقاله حاضر در فحوای بحث به این سؤال پاسخ می‌دهد:

برجسته‌ترین مضمون و ساختار مشترک رمان «شیکاگو» و «همسایه‌ها» کدام است؟

پیشینه تحقیق

تا کنون درباره بررسی تطبیقی رمان «شیکاگو» علاء‌الأسوانی و «همسایه‌ها»/احمد محمود مقاله‌ای نوشته نشده؛ اما برخی از آثار مرتبط در این زمینه عبارت‌اند از کتاب‌های «دیدار با احمد محمود» از محمود سارک و دیگران، «مکتب‌های داستان نویسی در ایران» توسط قهرمان شیری، «صد سال داستان نویسی در ایران» از حسن عابدینی، «نقد آثار احمد محمود» توسط محمدعلی دستغیب، مقاله‌های «مهم‌ترین شیوه‌های سبک شناختی داستان‌های احمد محمود» توسط غلامرضا پیروز و سروناز ملک، «شخصیت پردازی در رمان همسایه‌ها» توسط محمدعلی آتش سودا و امید حریری، و پایان نامه زهره کافی با عنوان «بررسی تطبیقی رمان «همسایه‌ها» و «زقاق المدق» است که در سال ۹۱ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران دفاع شده است. لیکن در مورد «شیکاگو» نقد و بررسی بسیار اندک صورت گرفته است. آنچه وجود دارد نیز در حد یادداشت نقدگونه در برخی سایت‌های ادبی عربی است، همین امر دال بر ضرورت انجام تحقیق حاضر است.

رمان همسایه‌ها

رمان «همسایه‌ها» از احمد محمود در سال ۱۳۵۳ توسط نشر/میرکبیر، در ۵۰۲ صفحه به چاپ اول رسید.

خالد نوجوان پانزده ساله‌ای است که با پدر، مادر و خواهرش در خانه‌ای با مستأجرهای زیاد زندگی می‌کند. او تا کلاس چهارم درس خوانده و در نزد پدرش که آهنگر است کار می‌کند. زندگی در این خانه با جهل، خرافات، فقر، بیماری، فساد اخلاقی، کینه‌ورزی و در عین حال مهر و محبت‌های خاص می‌گذرد. خالد در اثر آشنایی با بلور خانم زن امان‌آقای قهوه چی در دام فساد می‌افتد، اما در حادثه‌ای پایش به کلانتری باز می‌شود و در آنجا نقطه عطف و تحول اصلی زندگی‌اش شکل می‌گیرد. پیغام یک زندانی سیاسی را به دوستانش می‌رساند و افق‌های تازه‌ای جلو دیدگانش گشوده

می‌شود و از همین جاست که سعی می‌کند تا این محیط پر از فقر و ستم را عوض کند. خالد از بلور خانم فاصله می‌گیرد و به محیط بزرگ‌تری پا می‌گذارد. این محیط باعث شناخت بیش‌تر جامعه می‌شود. مسافرت پدر خالد به کویت که برای یافتن کار مناسبی است مسئولیت اداره خانواده را بر گردن او می‌گذارد. با ملی شدن نفت، کاری در کارخانه ریسندگی پیدا می‌کند. در جلسه حزبی که پندار مسئول آن است در محاصره پلیس قرار می‌گیرد ولی به همراه دوستانش فرار می‌کند. موقع بردن چمدان روزنامه و اعلامیه و کتاب به بندر توسط پلیس دستگیر می‌شود. چندی بعد پندار نیز به زندان می‌افتد و آن‌ها برای اعتراض به وضع غذای زندان، زندانیان را به اعتصاب غذا تشویق کنند. اعتصاب غذا با تبعید پندار و کشته شدن یکی از زندانیان شکسته می‌شود. پس از پایان دوران زندان، خالد به خدمت سربازی فرستاده می‌شود و رمان در همین جا به شکلی نیمه تمام در اوج متوقف می‌شود (محمود، ۱۳۵۳: تلخیص از کل متن).

رمان شیکاگو

رمان «شیکاگو» از علاء الاسوانی، به سال ۲۰۱۳ میلادی توسط نشر دار الشروق مصر منتشر شد. علاء الاسوانی داستان خود را با ذکر تاریخچه شهر شیکاگو و ساکنین اصلی آن و مقدمه روشن‌گر وحشی‌گری‌های اشغالگران این شهر آغاز می‌کند. این رمان از سه داستان تشکیل شده است:

- **داستان اول:** اولین قهرمان داستان دختر ۳۰ ساله مذهبی نخبه؛ شیماء محمدی از خانواده فرهنگی است که برای ادامه تحصیل از طنطای مصر به شیکاگو آمده و در محل اجتماع عمومی خوابگاه با ناجی عبد الصمد آشنا می‌شود. شیماء از این رهگذر باردار شده و وقتی از ازدواج ناجی ناامید می‌شود بچه خود را در یک مرکز سقط می‌کند و داستان با افت تحصیلی شدید طارق حسیب که ممتاز بوده و افت درسی شیماء به پایان می‌رسد.

- **داستان دوم:** مربوط به دکتر رأفت ثابت است که در ورای جریانات تاریخی مصر به آمریکا آمده و او نیز موفق به أخذ درجه دکتری و ازدواج با زنی آمریکائی شده است و

از او فرزندی دختر به نام ساره دارد. ساره در نوجوانی با جوانی معتاد آشنا و شیفته او می‌شود. ساره به علت افراط در مصرف مواد می‌میرد.

- **داستان سوم:** مربوط به دکتر محمد صلاح است که دوره مبارزه با رژیم مصر را با معشوقه خود زینب گذرانده و با او سر و سودائی داشته است. لیکن او فردی ترسوست که در بسیاری از موارد عقب نشینی و فرار را بر قرار ترجیح می‌داده و معشوقه‌اش شجاع بوده و او را ترسو خطاب می‌کند. او در پی یافتن ممر ورود به آمریکا در میکده آمریکائی با زنی مطلقه که در این محل کار می‌کرد آشنا و فقط برای کسب مجوز اقامت با او که کریس نام دارد ازدواج می‌کند. و او نیز بالأخره مدرس دانشگاه الینوی و همکار دکتر رأفت ثابت می‌شود. در این حال و هوا رئیس جمهوری مصر که منفور بسیاری از دانشجویان خارج است قصد سفر به آمریکا و شیکاگو را دارد که همین امر موجب مسائلی می‌شود (الاسوانی، ۲۰۱۳: تلخیص از کل متن).

بررسی تطبیقی همسانی رمان همسایه‌ها و شیکاگو

۱. طرح یا پیرنگ در رمان شیکاگو و همسایه‌ها

رابطه علیّ و معلولی حوادث روایت شده به ترتیب وقوع را طرح گویند. «یعنی هر حادثه‌ای بدون علت و سبب نقل نشود» (یوسف نجم، ۱۹۷۹: ۶۳). پس باید کلیه حوادث و فراز و نشیب‌ها علت و معلولی دنبال شده باشند. / رسطو تعریف صریحی برای پیرنگ داده است و پیرنگ را «ترکیب کننده حوادث» و تقلید از «عمل» دانسته است (ارسطو، ۱۳۹۳: ۱۰۴). در هر دو داستان پیرنگ داستان رئالیستی قوی و متقن به چشم می‌خورد. یعنی هر سه ویژگی: پیروی از اصل علت و معلول، اجتناب از رویدادهای نامحتمل، و در نهایت ساختار سه قسمتی (آغاز، میانه، فرجام) بسیار خوب موجود است. بسیاری از روابط علت و معلولی در «همسایه‌ها» نظیر سقوط نسبی خالد در برخی ارتباطات، هجرت پدر به کویت به علت فقر که خود ناشی از چله نشینی و خواندن کتاب‌های خرافی است، درگیری بر سر تنور صنم خانم و تعصب بی‌خود امان الله خان و قتل همسر و اجتناب خالد از دادن آدرس به سیاه چشم به دلیل فقرشان، خوردن کنارها و دزدیدن میوه از باغات و... همگی به خوبی آمده و علت آن معین است. در رمان

شیکاگو نیز علت سقوط شیما محمدی کبر سن و مجرد بودن و ناآشنا بودن با محیط، سقوط طارق حسیب و علل آن، اعمال احمد دنانه و علل آن، مروه همسرش و رفتار او و دکتر کرم دوس قبطی و قبول علاج دکتر بعلبی که او را رانده است و کارول و کمک‌های او به همسر جدیدش و انحراف و دلایل انحراف او و از این دست که همگی خیلی خوب روابط علت و معلولی در آن مشهود و مبرهن است. در اجتناب از رویدادهای نامحتمل هر دو نویسنده بسیار خوب عمل کرده‌اند. در داستان شیکاگو نیز هیچ رویدادی را با توجه به درونکاو عمیق نویسنده از روان و افکار شخصیت کوچک‌ترین احتمال نامحتمل بودن به ذهن خواننده نمی‌آورد.

۲.۲. راوی در رمان شیکاگو و همسایه‌ها

زاویه دید یعنی «شیوه نقل داستان یا شیوه‌ای که نویسنده به وسیله آن مصالح و مواد داستان خود را به خواننده ارائه می‌دهد و در واقع رابطه نویسنده را با داستان نشان می‌دهد» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۳۹). رمان «همسایه‌ها» با زاویه دید درونی و به شیوه راوی-قهرمان از نظرگاه خالد روایت می‌شود. او می‌گوید که در خانه‌ای با پدر، مادر و خواهرش و همسایه‌های زیاد زندگی می‌کند و با تیزبینی و روحیه موشکاف خود به بررسی اوضاع و احوال تک تک آنها می‌پردازد. زاویه دید در داستان «همسایه‌ها» که بیش‌تر از زبان خالد به صورت اول شخص آمده با زاویه دید دانای کل در بعضی از مواقع آمیخته است. زاویه دید در این داستان از اول شخص به سوم شخص نیز منتقل می‌شود و نویسنده از زبان قهرمان صحنه‌ها را نقل می‌کند. در موارد دیگر و بسیاری از قسمت‌ها نویسنده به عنوان دانای کل از زبان قهرمان که بیش‌تر خود خالد است قضایا را نقل می‌کند و همه آنچه درباره دیگران گفته شده از زبان روایتگری و سخن و ذهن کاوشگر و تحلیلگر او است. نکته مهم در پایان بندی داستان‌های مدرن این است که خاتمه روایت یا بستار (Closure) چیزی جدا از خاتمه آن است (بی‌نیاز، ۱۳۹۲: ۴۸) که این امر در رمان «همسایه‌ها» مصداق می‌یابد. زاویه دید در بخش اعظم رمان «شیکاگو» یعنی بالغ بر سه چهارم آن به صورت دانای کل است و بقیه آن از زبان و درون و افکار و تخیلات و عقائد هر قهرمانی باز هم به صورت دانای کل آمده است. یعنی بسیاری از قسمت‌ها را

مونولوگ‌ها تشکیل می‌دهند و با قطع آن به دیالوگ می‌رویم. در مقام تطبیق و ترجیح باید بگوئیم که چه در شکل مونولوگ و دیالوگ و چه در فرم دانای کل و شرح، در همه این زمینه‌ها قدرت و قوت و تسلط روان‌شناسی و علم روانی و روانی قریب به ناتورالیستی و واقع‌گرائی داستان «شیکاگو» قابل مقایسه با «همسایه‌ها» نبوده و از برتری بلا منازعی برخوردار است. شاید قلم روان نویسنده و همراه کردن خواننده در داستان بسیار بهتر و قوی‌تر از «همسایه‌ها» است.

سبک در رمان شیکاگو و همسایه‌ها

سبک ویژگی شخصی بیان است، خواه در نوشتار و خواه در گفتار. سبک در هنر داستان زبان ویژه‌ای است که نظام خاص احساسات و اندیشه‌های نویسنده و شیوه شخصی او را در نگریستن به جهان، دقیقاً نمایش می‌دهد. از این رو گفته‌اند سبک هنر نویسنده همانا خود اوست (ایرانی، ۱۳۸۰: ۳۰۵). سبک / احمد محمود در «همسایه‌ها» و نیز / اسوانی در «شیکاگو» رئالیسم است. / احمد محمود از پیشروان رئالیسم است. ولی / اسوانی از رئالیسم به ناتورالیستی کامل رسیده است و شدت و کثرت صحنه‌های طبیعی داخلی و ارتباطی و جنسی افراد همگی حکایت از این سبک دارند. «همسایه‌ها» نیز در بیان داستان از فلش بک‌های خوبی استفاده نمود. در «همسایه‌ها» زمان و سیر وقایع مثل «شیکاگو» خطی است. در قول و قرارها و زمان‌های نشستن دور هم و ورود و خروج‌های قهرمانان داستان و رعایت قول و یا تغییر گفتارها به وضوح بازگشت‌های ناگهانی به گذشته در رمان «همسایه‌ها» دیده می‌شود. ولی در «شیکاگو» به علت روایتگری دانای کل بازگشت ناگهانی به گذشته بسیار کم‌تر است و این بازگشت‌ها بیش‌تر مربوط به داستان شیماء محمدی و احمد دنانه و همسرش است که سهم این دو زن مصری در «شیکاگو» از تمامی بیش‌تر است. پس از آن کارول همسر گراهام و میتشل همسر دکتر ردفت و کریس همسر دکتر محمد صلاح باز هم بیش‌تر بازگشت ناگهانی به گذشته دارند. لیکن روایتگری به شیوه تیار الوعی از این امر کاسته است. در مقام ترجیح باید در این قسمت تفوق را به «همسایه‌ها» به علت موفقیت در این قسمت داد. رمان «همسایه‌ها» را می‌توان بهترین در زمره پنج رمان برتر ایرانی قرار داد. رمان به

ترتیب توالی زمان بیان می‌شود و پیچیدگی ساختاری ندارد. از نوجوانی قهرمان داستان خالد شروع می‌شود و تا به زندان افتادن و تحول فکری و عقیدتی او و شکنجه و آزارش برای مبارزه بر علیه ظلم و ستم ادامه دارد، در واقع روایت خطی پرکششی دارد. رمان به سبک واقع‌گرایانه نوشته شده. توصیفات قوی، شخصیت‌های ملموس دوست داشتنی از ویژگی‌های این رمان است. از نمونه‌های ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه مردم جنوب در رمان «همسایه‌ها»، می‌توان به اشعاری که مادر خالد با لهجه دزفولی در موقعیت‌های مختلف می‌خواند، اشاره کرد. زنان جنوبی که همواره در گذر تاریخ زندگی سختی داشته‌اند، درد دل‌ها و زمزمه‌های‌شان غالباً آوایی بسیار حزین دارند: «تنها دردی که دارم، غصه مادرم است... برادرش را که از دست داد، همین حالت را داشت. وقتی چشمش به نعش برادر افتاد، اول بهتش زد و بعد نشست و آرام اشک ریخت و آواز گرداند: ساربان کاروان غم کجاست تا اندوهم را بار کند. آنگاه من مسافر این کاروان گردم و کوچه و بازار را بگردم» (محمود، ۱۳۵۳: ۲۹۸). آدم‌های «همسایه‌ها» اغلب با مسائل اجتماعی، سیاسی و معیشتی درگیر هستند؛ زیرا واقعیت‌های سخت و تلخ زندگی، آن‌ها را ناگزیر از درگیر شدن و کشمکش می‌سازد (شکری، ۱۳۸۶: ۴۹۴).

شخصیت و شخصیت پردازی در رمان شیکاگو و همسایه‌ها

قهرمانان و شخصیت‌های داستان کسانی هستند که با اعمال یا گفتار خود داستان را به وجود می‌آورند. بر این اساس شخصیت فردی است که خواننده در خلال مطالعه داستان با خصوصیات جسمانی، روانی، عادات و اخلاق خاص و جایگاه اجتماعی‌اش به خوبی آشنا می‌شود (حنیف، ۱۳۸۴: ۳۳). شخصیت یکی از مهم‌ترین عناصر داستان است. محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد و نویسنده افکار و عقاید خود را به زبان او بیان می‌کند. رضا براهنی معتقد است، قراردادی که یک قصه نویس حرفه‌ای طی آن از افراد جامعه به شخصیت داستانی می‌رسد، چنین است: شخصیت در اجتماع ← شخصیت در داستان ← شخصیت در ذهن خواننده (براهنی، ۱۳۶۲: ۲۰). شخصیت‌ها، فردی هستند که در یک اثر راوی دارای خصوصیات اخلاقی و آگاهی و پیش شناخته‌اند و این ویژگی‌ها در گفتار و رفتار آن‌ها نشان داده می‌شود. (Abrams, 1971: 23)

شخصیت‌ها در رمان «همسایه‌ها»، به دنبال رهایی از وضعیت نابسامان خود هستند و هر کدام به صورتی این مسیر را دنبال می‌کنند. شخصیت‌ها در رمان «همسایه‌ها» را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: بیش‌تر این شخصیت‌ها از طبقات پایین و فقیر اجتماع هستند. مردان، صبح تا شام به دنبال روزی و زنان، گرفتار فساد اخلاقی و اعتیاد و نوجوانان نیز درگیر آسیب‌های اجتماعی مخصوص به خود هستند. شخصیت‌های داخل خانه عبارت‌اند از مردان: خالد، پدرش، اوسا حداد، محمد مکانیک، رحیم خرکچی، عمو بندر، کرم، امان آقا، خالق، ابراهیم، حسنی و زنان: مادر خالد، گل خانم، بلور خانم، رضوان، آفاق، صنم و بانو. خالد، بیرون از خانه با افرادی که درگیر سیاست هستند آشنا می‌شود مانند پندار، شفق و علی شیطان که مأمور مخفی شهربانی است و سیه‌چشم که معشوق خالد است. شخصیت‌های درون زندان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- مبارزانی شجاع مانند ناصر ابدی، منوچ سیاه و قاضی

- گروهی که همدست رئیس زندانند مانند رضی جیب‌بر و نصرالله‌خرگردن

«همسایه‌ها» از نظر وسعت و تنوع ماجراها، تعدد آدم‌ها و شخصیت‌ها، تعدد لحن‌های محاوره‌ای و توصیفات جزء به جزء از حرکات و گفت‌وگوها در میان رمان‌های ایرانی ممتاز است.

در رمان «همسایه‌ها»، شخصیت‌پردازی بیش‌تر به صورت توصیف‌های غیر مستقیم و تک‌گویی است.

- گوش کن آقا... تو فقط گوش کن... هیچ حرف نزن.

گوشم تیز می‌شود. کنجکاو می‌شوم. انگاز غم خودم را فراموش می‌کنم.

- گوش کن آقا می‌دونم تو می‌ری بیرون... حتماً می‌ری بیرون... وقتی رفتی برو

کتابفروشی «مجاهد» و به «شفق» صاحب کتابفروشی بگو که «پندار رو گرفتن...

شنیدی؟... پندار... کتابفروشی تو خیابون پهلویه. شفق یه آدم بلند قد سبیله گنده داره

چشاش...»

که ناگهان صدای یکی از پاسبان‌ها تو حیاط کلانتری می‌ترکد:

- اوهوی پسر... پاشو بیا اینور (محمود، ۱۳۵۳: ۴۵).

فاصله سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ همزمان ملی شدن صنعت نفت است و حوادث داستان در جنوب ایران یعنی در خوزستان اتفاق می‌افتد. خالد نوجوانی از طبقه پایین اجتماع و در اوج فقر و فساد در خانه‌ای شلوغ متولد شده است ولی کم‌کم به جوانی آگاه و مبارز که در مقابله با ظلم، سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل می‌کند اما دست از عقیده و ایمان خود برنمی‌دارد. او در پایان رمان به شخصیتی با نگرش جدید به دنیا تبدیل می‌شود. در جریان این تحول خالد همچنان که در زمینه مسائل عاطفی از روابط صرفاً غریزی با بلور خانم به احساس لطیف عشق نسبت به سیه چشم می‌رسد، از مرحله ابراز واکنش‌های ابتدایی و بچه‌گانه نسبت به بالادستی‌ها، به شناخت عوامل فقر و بدبختی جامعه و راه‌های مبارزه با آن‌ها دست می‌یابد (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۱۹۹). «همسایه‌ها» رمان تحول است چراکه تعدادی از شخصیت‌های داستان آخر داستان همانی نیستند که در آغاز بودند. از طرفی «همسایه‌ها» را باید رمان اعتراض هم دانست. چراکه نویسنده به همه شخصیت‌های داستانش فرصت ابراز وجود می‌دهد. داستان در گفت‌وگوها همه چیز شخصیت‌ها مشخص می‌شود. به پایان داستان که می‌رسیم شخصیت‌های اصلی تحول پیدا کرده‌اند و شکلی کامل به خود گرفته‌اند. به نحوی که از لحاظ شناخت و شعور به کسان دیگری تبدیل شده‌اند (گلستان، ۱۳۸۳: ۱۳۱). در رمان «شیکاگو» شخصیت اصلی و یا قهرمان وجود ندارد و این همان سبک داستان نویسی مدرن است. کسی محور نیست. حدود هفت داستان موازی و برخی تاریخ از حوادث گذشته بر سرزمین شیکاگو و شکل‌گیری آن و تاریخ نژادپرستی و درگیری‌ها و تاریخ برخی افراد و تاریخ دانشگاه و یا مثلاً تاریخ رشته علم بافت‌ها و مؤسس و... از این دست قضایا که سطح داستان را بسیار متفاوت از «همسایه‌ها» نموده است. علاء/سوانی با تسلط بی نظیر و بهره‌گیری از مطالعات روان‌شناسی و اجتماعی و حتی نحوه دقیق عملکرد بخش‌های مختلف وارد شده در داستان بر بسیاری از حواس و خواست‌های خواننده تسلط و آن را مجذوب نموده است. حتی شخصیت پردازی‌ها در بیان متولیان مثلاً کلینیک کورتاژ و کارکنانش و دکتر آنجا تا بیان شخصیت عمیق دنیس بیکر آمریکائی در بی‌طرفی و عدالت تا نژادپرستی مایکل و افراطی بودن او، گراهام و میارز و استادبودنش و عقاید ضد لیبرالیستی. همه این‌ها در مورد اساتید دانشکده هست. ولی در مورد مصری‌های متفوق

در آمریکا ولی حقارت‌ها و عقده‌های درونی آنان، حتی کرم دوس که جراح قلب بی‌نظیری است و قبطی است. لیکن حتی اجازه جراحی رایگان در مصر برای خدمت به هموطنانش مورد توافق بهداشت و درمان قرار نمی‌گیرد. شخصیت پردازی در مورد مصری‌های دانشجوی مثل شیما محمدی و زارق و ناجی و بیان دقیق ویژگی‌های روانی و روحی و تمایلات آن‌ها و تمامی دقایقی که خواننده را مجذوب می‌کند. حتی تاریخ زندگی و نحوه بروز ویژگی‌های فرد در تعاملات او. مثلاً طارق که سرخوردگی و عقده حقارت جنسی دارد چگونه پس از اولین برخورد بر سر زن مخاطبش فرو می‌ریزد و وحشیانه‌ترین رفتار را با او می‌کند. حتی در خواستگاری این امر کاملاً بروز کرده و با مادرش در خواستگاری از دختر سرتیپ بازنشسته چگونه بر او در حضور دخترش می‌تازد که چرا گفته است دخترش زبان را عالی خوانده ولی اشتباهی نام مدرسه دیگری که مربوط به این رشته نیست آورده است. این حمله و هجوم او بی‌توجه به رعایت آداب مرسوم در خواستگاری ریشه در همان حقارت‌های جنسی او دارد. در هر صورت شخصیت و شخصیت پردازی / اسوانی در مورد دو عنصر عجیب حکومتی رژیم جنایت پیشه، احمد دنانه و به‌ویژه صفوت بک شاکر سرتیپ سازمان اطلاعات و جاسوس ویژه و به ظاهر دانشجوی یعنی احمد دنانه و تاریخ نکبت بار هر دو. جنایت‌های بی‌شمار صفوت بک شاکر در حق مردم کشور خود و تعرضات بی‌رویه بر نوامیس معترضین و زندانیان سیاسی. شهوترانی او و تیزبینی بر شناخت طامعین بر جاه و مقام و نیاز مبرم آنان به او و درک صفوت از بی‌مبالاتی این افراد حتی نسبت به تقدیم نوامیس خود برای پیشرفت که نمونه آن احمد دنانه است. / اسوانی زیرکانه و هنرمندانه این دو یعنی صفوت شاکر را در آمریکا با هم برخورد داده تا برای خواننده صحت بیان خود را به گونه‌ای بسیار زیبا به اثبات برساند. ولی در همین بین که شخصیت احمد دنانه را معرفی نموده و تاریخ او را خلاصه در امر ازدواج با مروه دختر حاج نوفل چول دار مطرح می‌کند؛ باز هم بسیار زیرکانه به نحوه عروسی آن‌ها و دعوت از رقاصه معروف و ظهور لذات و ارتیاح حاج نوفل از رقاصه و... اموری که خواننده را متوجه عمق انحرافات و تمایلات در به ظاهر متدینین می‌نماید. باید در زمینه شخصیت پردازی در این روایت مقاله جداگانه‌ای نوشت. زیرا حداقل ۴۵ درصد روایت را می‌توان در این مسیر ارزیابی نمود. گراهام سفیدپوست و

ازدواجش با کارول سیاهپوست و قبول مخارج فرزندش و عاقبت امر آن‌ها نوعی شخصیت پردازی عالی دارد. از همه این شخصیت‌پردازی دو استاد برجسته رأفت ثابت و محمد صلاح و سرنوشت تأسف بار هر دو در آمریکا. رأفت که تماماً خودباخته فرهنگ و امکانات آمریکا است و دائم به مصری‌ها و مسلمین توهین می‌کند و معتقد است آمریکا باید در کشور خود را به روی این وحشی‌ها ببندد با سرنوشتی تأسف بار تنها دختر خود را به سادگی با وضعی فجیع و خفت بار از دست می‌دهد. اما شخصیت‌پردازی به شیوه متداول عبارت است از «معرفی شخصیت‌ها با روایت مستقیم، شناساندن شخصیت از طریق گفت‌وگو و در قالب اعمال و کردار آن‌ها. بر این اساس شخصیت فردی است که خواننده در خلال مطالعه داستان با خصوصیات جسمانی، روانی، عادات و اخلاق خاص و جایگاه اجتماعی‌اش به خوبی آشنا می‌شود» (حنیف، ۱۳۸۴: ۳۳). در هر دو داستان به زن به گونه خاصی پرداخته شده است. در «همسایه‌ها» زنان همگی از نوع زنان سنتی هستند که نقش عمده‌ای در جامعه ندارند ولی در پشت صحنه قرار دارند. دخترانی هم وجود دارند که گوناگون و ایستا و پویا هم هستند ولی زنان اغواگر و منحرف نیز پرتنگ وجود دارند. بلور خانم، زن امان الله خان که با خالد قهرمان داستان تلاش دارد ارتباط پنهان داشته باشد ولی صحنه‌ای در داستان دیده نمی‌شود. لایلا دختر حاج آقا در پایان داستان دختری امروزی ولی مبارز است. تمام انواع زنان در داستان «همسایه‌ها» دیده می‌شود و این امر موجب طبیعی بودن و حقیقی و واقع‌گرا بودنش باشد. شخصیتی که به عنوان فرد انتخاب می‌شود، موقوع ورود به داستان از خود هویت مشخصی نشان نمی‌دهد. با پیشرفت داستان هر فردی در حوادث شرکت می‌کند و در طول زمان دگرگون می‌شود تا بالأخره موقعیت فردی خود را به دست می‌آورد. شخصیت به عنوان فرد، همیشه در حال تغییر است، به همین دلیل اعمال و احساس‌هایش مبهم، ضد و نقیض و در تیرگی فرو رفته هستند. فرد با پیشرفت قصه، از دودلی‌ها، نقیضه بافی‌ها و رنگ به رنگی‌ها و ابهام و تیرگی نجات می‌یابد و به صورت فردی که هویت خود را به عنوان موجودی بی نظیر یافته است و موقعیتش روشن و انتخاب شده است، درمی‌آید (براهنی، ۱۳۶۲: ۲۴۷). در «شیکاگو» زن‌های موجود عمده افراد مورد توجه و هم‌ردیف دیگر شخصیت‌ها هستند. در حقیقت تمامی انحرافات مسلمانان مصری را اعم از زن و

مرد و خاصه زنان به علت جو و شرائط حاکم به خوبی در شکل‌گیری شخصیت و شخصیت‌پردازی زنان ترسیم نموده است. نتیجه در این قسمت آن است که میدان وسیع تنوع در این بعد از /سوانی نسبت به «همسایه‌ها» قابل مقایسه نیست و او توانسته حتی در دوره معاصر در مصر و دیگر کشورها رتبه ممتازی کسب کند.

توصیف و فضاسازی در رمان شیکاگو و همسایه‌ها

توصیف به جهان داستان بعد و فضا می‌بخشد و آن را پر از رنگ و نور و سایه و صدا و حرارت و بو و مزه می‌سازد و در نتیجه این پندار را در خواننده تقویت می‌کند که جهانی که در آن به سیاحت مشغول است از کلمات بی جان پدید نیامده، بل زنده است و واقعیت دارد. می‌توانی آن را ببینی، ببویی، لمس کنی، بچشی و بشنوی. توصیف یعنی شمارش ویژگی‌های بیرونی محیط، رویدادها، پدیده‌ها، چهره‌ها و شمارش رفتارها و کردارها و دگرگونی‌های بیرونی آن‌ها. توصیف یکی از جنبه‌های عام تکاملی ذهن و تفکر بشر است. «اصولاً شعر در طی تاریخ خود از عینیت به طرف ذهنیت حرکت کرده است؛ به قول هگل این حرکت از مادیت و عینیت (محسوس بودن) به طرف معنویت و ذهنیت (معقول بودن) در مورد کل هنر صادق است» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۴). صحنه در داستان، یعنی موقعیت زمانی و مکانی داستان که خواننده را یاری می‌کند تا در آنچه شخصیت‌ها می‌بینند، می‌شنوند، لمس می‌کنند، سهیم شود. همچنین کنش‌ها و ارزش‌های شخصیت‌ها و کشمکش‌ها برای او بیش‌تر قابل فهم می‌کند؛ خواه رخدادها در گذشته روی داده باشند یا مربوط به زمان حال یا آینده باشند (نورتن، ۱۳۷۸: ۱۱۲). ولی این زمان تقویمی نیست، زمانی است که انگار تا ابد به همین حالت در بی‌زمانی ادامه خواهد داشت (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۳۴). در «همسایه‌ها» داستان با فریاد بلور خانم در حیاط دنگال و کتک خوردن و کمر بند چرمی امان آقا و طلوع آفتاب و خروج از اطاق آغاز می‌شود؛ شرائطی جذاب. ولی /سوانی با ریشه نام شیکاگو و اصل آن که انگلیسی یا آمریکائی نیست بلکه الگنوکی است از منشعبات زبان‌های سرخپوستان هند که معنی بوی قوی دارد. علت آن هم پیازکاری هندیان اصلی ساکن این خطه است که بوی شدید آن به علت باد شدید در این منطقه گسترش می‌یافت و این امر با سازمان قوی

آتش‌نشانی و در ابتدای داستان دستمایه خطای شیما محمدی و آمدن سریع آتش‌نشانان و مسائل جذاب بعدی آن است. بد نیست در این بخش فضا سازی هر دو نویسنده را در فصل بندی یا تفکیک بخش‌ها مؤثر بدانیم. گرچه قطع داستان و سرد روایتی دیگر به این شیوه و محل قطع و دخول در داستان موازی دیگر، از هنرها و توانمندی‌های نویسنده در فضا سازی و توصیف می‌تواند به حساب آید. این فضا سازی و قطع آن در محلی که در ابتدا ناآشنائی مسافر این سرزمین را که دختری مصری است و اولین شخصیت آغازگر داستان در شیکاگو است، امری هنرمندانه است. چراکه هر قسمت دیگر؛ یعنی هر داستان موازی دیگر را در ابتدا بگذاریم نمی‌تواند اینطور با این تاریخچه پیوند و ارتباط داشته و برقرار نماید. پس این فضا سازی در چهل قسمت «شیکاگو» بسیار مرتبط با هر قسمت و داستان انجام شده است. در «همسایه‌ها» نیز این فضا سازی‌ها و توصیفات در زمان خود بسیار خوب بوده است. ولی با توجه به زمان داستان «شیکاگو» و سواد و تحصیلات/سوانی این امر نیز در شیکاگو از برتری و توانمندی بالاتری برخوردار است. احمد محمود در حقیقت رنگ رئالیستی و تصویر سازی ساده او موجب زیبایی داستانش شده است. لیکن/سوانی بدیهی است اگر در این دوره با این امکانات رسانه‌ای موجود از شیوه و فنون قوی استفاده نکند و هنرمندانه هر قسمتی را در اوج و یا نقطه کور جذاب رها ننماید بلافاصله ملالت بر خواننده سیطره یافته از ادامه مسیر باز می‌ماند.

کشش در رمان شیکاگو و همسایه‌ها

با گسترش طرح داستان (پیرنگ)، شور و اشتیاق برای دنبال کردن ماجرای داستان در خواننده زیادتر می‌شود و اغلب با یکی از شخصیت‌های داستان، همدردی و از او جانبداری می‌کند و نسبت به سرنوشت او علاقه مند می‌شود. همین علاقه مندی نسبت به عاقبت کار آن شخصیت، او را در حالت دل‌نگرانی نگاه می‌دارد. به عبارت دیگر حالت تعلیق، کیفیتی است که نویسنده برای وقایعی که در شرف تکوین است، در داستان خود می‌آفریند و خواننده را مشتاق به ادامه دادن داستان می‌کند (میر صادقی، ۱۳۶۴: ۱۶۳). نویسنده هنگامی که داستان به اوج می‌رسد باید مسأله را گره‌گشایی و به سرعت حل

کند و داستان را به پایان ببرد (یونسی، ۱۳۷۹: ۲۴۹). رمان «همسایه‌ها» بسیار پر حادثه، با تعلیق و اوج و گره‌گشایی‌های بسیار است. نویسنده از طریق انتخاب نوجوانی کم‌تجربه و کنجکاو به عنوان راوی و قهرمان داستان و قراردادن او در کنار شخصیت‌های فرعی متعدد و از طریق ذهن کنجکاو و زبان ساده او، توانسته است به خلق اثری با غنای کامل و هماهنگی بین شکل و محتوا نایل شود. «این داستان با ژانر اجتماعی خود دربردارنده شخصیت‌های انسانی است که از اقبال مختلف جامعه‌اند هر کدام از شخصیت‌ها با درجه تأثیر متفاوت باعث پیشبرد و پی‌رفت می‌شوند» (شاهدین و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱). چهره‌ای که از مردم در این کتاب ترسیم می‌شود، چهره‌ای رنج‌دیده، اما مقاوم و سلطه‌ناپذیر است؛ مردمی که در تأمین نیازهای روزانه خود دچار مشکل هستند، آنگاه که پای ایستادگی و دفاع از عزت و استقلال وطن به میان می‌آید، حاضر به فداکاری‌اند. در واقع نویسنده در مقام تماشاگر زندگانی مردم ساده و رنج‌دیده جامعه، واقعیت تلخ اجتماعی را مجسم می‌کند. اندیشه انتقادی واقع‌گرایان دور این محور می‌چرخد که فرد در زندگی تنها نیست و معرف لایه یا طبقه‌ای از طبقات اجتماعی است (دستغیب، ۱۳۷۸: ۶۴). در رمان «شیکاگو» باید این سهم عمده در کشش داستانی را در بخش‌هایی به مقدمات گاه طولانی و جذاب داستان‌های موازی رمان داد. یعنی موازی بودن و مثبت و منفی بودن شخصیت‌ها، به‌ویژه منفی بودن صفات شاکر و اعمال او به موازات احمد دنانه که هر دو از منفورترین شخصیت‌ها با بار منفی هستند، رمان را بسیار جذاب نموده است. حتی اشاره اول رمان به اینکه بخش‌های ایتالیک از یادداشت‌های اصلی یکی از قهرمانان داستان است نتوانسته مثل این دو نفر داستان را جذاب کند. این حقیقت داشتن یک بخش از رمان به صورت خازرات برخی را واداشته تا خود/سوانی را همین شخص بدانند. گرچه برخی مطلعان دوره تحصیل او در شیکاگو و دوربین‌های تیزبین او را در محیط پیرامونی خود که از عمارت یعقوبیان این تیزبینی را در داخل مصر آغاز نموده به آمریکا برده و همه آنچه را مشاهده کرده با هنر بهتری به تصویر کشید. گرچه این روش هرگز نتوانسته است موجب نجات جامعه و ملتش بشود. شرایط حاکم بر مردم و ویژگی‌ها و ضعف‌های نفس بودن و اشتباهات آن‌ها بسیار بیش‌تر از حکومت ریشه در فرهنگ و تربیتشان دارد. جذابیت شهوانی بودن زن بارگی و علاقه نادرست به زن و

شیوه نادرست در این امر از آسیب‌های بزرگ جامعه مصر است. ولی در «همسایه‌ها»، خالد علی رغم ارتباطات کوتاه با بلور خانم در جایگاه‌های حساس و پس از علاقه‌مندی دائم با توصیه‌های بیدار و شفقت به اینکه عشق و احساسات مانع سر راه مبارزه است به هر حال کشش و کشمکش درونی و بیرونی را در ذهن خواننده شکل داده است که در نهایت رشد خالد و موج شهوت پیروزی را از آن غلبه او بر هواهایش می‌کند. حتی شهر نمی‌تواند از این سوژه‌ها استفاده کند. ولی در «شیکاگو» تمامی این ضعف‌ها در شخصیت‌های مثبت و منفی برای خواننده درس آموز و جذاب است و کشمکش‌های بیرونی را نشان می‌دهد.

بررسی محتوا و درونمایه در رمان همسایه‌ها و شیکاگو

محتوا، اندیشه مرکزی در اثر ادبی است و نیز درس اخلاقی یا پیامی که در آن مستتر است. نسبت داستان و مضمون همچون نسبت چراغ و نور است. نور و چگونگی نورپراکنی چراغ از ساختار آن ناشی می‌شود و مضمون و چگونگی القای مضمون داستان به خواننده هم از ساختار داستان برمی‌آید (ایرانی، ۱۳۸۰: ۴۵۹). در مورد عمارت یعقوبیان انحطاط از درون جامعه مصر و «شیکاگو» بیان انحطاط از بیرون مد نظر نویسنده است. ولی او مشکلات و انحطاط جامعه آمریکا و معضلات بزرگ‌ترین مدعی دروغین حقوق بشر را تبیین نموده است. او در این مسیر گام برداشته تا حکومت و سردمداران آن و بزرگان و سیاستمداران غول بزرگ اقتصادی و صنعتی دنیا را از نظر فرهنگ و اجتماع و ظلم درونی و تبعیض به چالش بکشد و آن‌ها را مقصر اصلی بداند و معرفی کند. چون موضوع همان محوریت و مرکزیت اصلی داستان است لذا می‌تواند در تمامی رمان به این هدف خود نزدیک و وفادار بماند. در «همسایه‌ها» فقر و محرومیت، سیاست و دغل کاری‌های سیاست‌بازان، بی‌توجهی به مردم، تحول و تکامل افرادی در این شرائط و نابودی تعداد بیش‌تری، لغزش بسیاری در گرداب خطا و سقوط، سرخوردگی‌ها و عوامل آن و در یک بیان آسیب‌های فراوان موجود در جامعه را تصویرسازی نمودن در کلامی روان و جذاب. در واقع هر دو رمان در دسته رمان‌های انقلاب ساز و حرکت آفرین و بیدارکننده قرار دارند. به طور کلی، داستان نظم‌نهایی رخدادها در جهان بیرون متن

است و روایت نحوه ارائه گزارش است (احمدی، ۱۳۸۵: ۳۱۵؛ اسکولز، ۱۳۷۹: ۷۲). در رمان «شیکاگو» درونمایه رمان همان شرایط حاکم و ایجادشده در کشور است که موجب فرار متفقین و در نهایت آسیب سنگین به جامعه شود. اگر حکومت مثلاً اجازه کار به آن قبطنی را حتی پس از اینکه خودش با مخارج شخصی‌اش به این مرتبه علمی و تخصص دست یافته بدهد بالاخره وضعیت این نخواهد بود. حتی نیاز به اعزام به خارج کم‌تر می‌شود. این قبطنی و مسیحی بودن بهانه‌ای بیش نیست تا او را سرکوب و نابود کنند. کرم دوس دائماً به صدای ام کلثوم در اطاق عمل و کار گوش می‌دهد تا حدی که یک پزشک نژاد چرست متعصب به او اعتراض می‌کند ولی او پاسخی کوبنده به او می‌دهد. حال اگر به وطن بازگردد باز هم راهی بسته پیش رویش است. در واقع این نوع رمان‌ها همیشه بخشی از زندگی نویسنده را تشکیل می‌دهند. وضع در همسایه‌ها دقیقاً بر همین منوال است. / احمد محمود خود تمام آنچه در رمانش را نوشته مدعی است که از سر گذرانده. یعنی چیزی را پیش از تجربه نمی‌نویسد. او به موضوع فقر و عقب افتادگی و تبعیض و استعمار و انقلاب و شورش و زندان و... همه این‌ها از باب سیاست حاکمان و خواسته آن‌ها بودن می‌نگرد. حتی زندان و اعتراض به غذا در آن که حق همه زندانیان در دنیا است نشان از آن دارد که کسی متولی وضع موجود در آن محیط نیست و خود زندان بانان و دست اندرکاران فعال مایشاء در این محیط هستند. حتی در مورد محل خانه قهرمان داستان بیان می‌شود که انتهای آسفالت خیابان خانه آن‌ها است. یعنی حضور چراغ و لمپا و بخاری حکایت از محرومیت بالا و آب گرفتگی تا قوزک پا در حیاط خانه و بستن الاغ‌ها کنار خانه و... زندگی این ملت فقیر و گرسنه را نشان می‌دهد که حاکمان آن‌ها را به حساب نمی‌آورند. مرده و زنده‌شان تفاوتی برای حاکمان ندارد، بلکه مرگشان بهتر است. در ۵۰۲ صفحه رمان «همسایه‌ها» با داستان‌های فرعی و جمعاً بالغ بر صد شخصیت همگی تلاش بر ترویج و انتشار درد مردم پائین جامعه است. توجیه خود همین مردم به اتحاد و شناخت درد یکدیگر. در سخنان عمو بندر این مطالب خطاب به خالد به خوبی بیان شده است. ما باید با هم باشیم خالد، ما مردم فقیر باید پشت همدیگر را داشته باشیم، باید زیر پر و بال هم بگیریم که از پا نیفتیم (محمود، ۱۳۵۷: ۱۲۷). در «شیکاگو» این درونمایه در راستای مقصر دانستن حکومت و عناصر

فاسد و مزدور آن است. در حقیقت /سوانی به خوبی از بیان صفات قبیح و ویژگی‌های درنده خوئی و قساوت افراد گوناگون حکومتی و سیستم امنیتی درآمده. همانانی که سلم پیشرفت را بر گردن انواع خیانت و جنایت سوار می‌کنند و حتی نوامیس خود و دیگران هیچ ارزشی نزد آنان ندارد و فریسه‌ای بیش به حساب نمی‌آید. آنچه «شیکاگو» را از «همسایه‌ها» متمایز می‌کند وجود این درونمایه‌ها و تأثیراتش در جامعه فرهیخته و تحصیل کرده جامعه مصر است که چگونه این جامعه مذهبی نتوانسته حتی بر این مسائل ضعیف و غیر معقول فائق آید و در «همسایه‌ها» تلاش بر رواج و تقید مردم طبقات فقیر و پائین جامعه به این نوع دین و روحانی و خرافات دینی مطرح می‌شود. پس وظیفه /سوانی به مراتب دشوارتر از /احمد محمود به نظر می‌آید که به خوبی از پس آن برآمد.

نمادپردازی (سمبولیسم)

شناخت و کاربرد «نمادها» (سمبل Symbol)، در ادبیات و همه هنرها، کاری ژرف، گسترده، ظریف و پیچیده بوده است. سمبل: نماد، آیت و نشانه‌ای از شیء یا امری است که شیء یا امر دیگر را القا می‌کند. از دید یونگ «انسان برای آنچه می‌خواهد ابراز دارد به گفتن یا نوشتن کلمات می‌پردازد، زبان او آکنده از سمبل‌هاست، اما غالباً نشانه‌ها و صوری را نیز که جنبه توصیفی دقیق ندارند به کار می‌برد» (یونگ، ۱۳۷۷: ۴۸). فروید از نماد بیانگر امیال یا درگیری‌ها به ترتیبی غیر مستقیم و شکل دار است و کشف رمز آن بسی دشوار نماد پیوندی است که محتوای ظاهر هر رفتار، هر تفکر و هر سختی را به مفاهیم پنهان آن وصل می‌کند (آلن گرابران: ۱۳۷۸: ۳۳). نام‌های نمادین در «همسایه‌ها» نماد حقیقت این افراد است. بیدار و شفق سیاه چشم و پندار و بلور از نام‌های نمادین در «همسایه‌ها» است متناسب و دقیقاً با حساب برای شخصیت‌ها. در «شیکاگو» نیز نام‌های دنانه و ثابت و صلاح و ناجی و مروء و شیماء و کرم به ویژه صفوت شاکر و احمد دنانه که اسم‌های بسیار با دقتی برای مسمی و محتوای مسمی خود هستند. همه این اسامی می‌تواند قبح و زیبایی را به ذهن خواننده تزریق نماید. این نام‌ها نمادین هستند تا شخصیت تحت این اسم بامسمی باشد. شخصیت‌ها دقیق می‌توانند

نمادی از گروه و طبقه خود باشند و صلاح از طبقه فراریان و خائنین ترسو از مصر که شجاعت و صبر مبارزه را ندارند. برای راحتی و رهایی به ازدواج به هر نوع و شکل تن می‌دهند تا بر شناسنامه آمریکائی و هویت آن دست یافته و پس از آن به زندگی ذلیلانه و ذلت گونه‌ای با عاقبت بد ادامه دهند ولو اینکه ظاهراً به بالاترین رتبه اجتماعی که استادی است دست یابند. دکتر رأفت نوع دیگر این طبقه است که با سرمایه خارج شده است. کرم دوس از فرط نابرابری و ظلم به اقلیت‌ها و نماینده قبطیان است و رموة و شیماء هر کدام نماینده طبقه زنان مذهبی‌اند که نمی‌توانند از آسیب‌های موجود جامعه با همه پاکی در امان بمانند. صفوت شاکر نماینده نظامیان و دستگاه خونخوار و جنایتکار امنیتی است که علاوه بر انواع شکنجه به راحتی نوامیس مبارزان و مخالفین را انتخاب و در محیط‌های شخصی به شکل فجیعی مورد تجاوز قرار می‌دهند تا حدی که نویسنده تأکید بر عدم خلف وعده حتی یک زوجه زیبای شکارشده سر وعده می‌کند و اینکه پس از تعرض سپاسگزار آنان است که ارتباط را با آنان موفقیتی برای خود بداند و احمد دانانه با این عنوان پست و رذالت نماد شخصیت‌های دنیا طلب از هر مسیر که شرح حالشان گذشت. صحنه‌های نمادین نیز دقیق و حساب شده برای انواع حرکت و کنش و واکنش این شخصیت‌ها است. یعنی صحنه ورود و بکارگیری مروه همسر دانانه در دفتر کار صفوت شاکر، یا ورود به واحد ناجی و تهیه فیلم از تمامی کارهای او توسط دوربین‌های مخفی احتمالی در شقه‌اش و... همه و همه حکایت از نوع تعامل نمادین و عام با مردم است. در آخر این امر نماد و نمادپردازی نتیجه می‌گیریم که هر دو به خوبی و به اندازه مکفی از این امر بهره برده و با توجه به جو و شرائط خود در این زمینه بسیار موفق عمل کرده‌اند. ولی به علت قدمت رمان «همسایه‌ها» این رمان در این قسمت پیش‌تاز و در زمان خود بسیار بهتر و قوی‌تر از «شیکاگو» عمل کرده است.

تقابل سنت و تجدد

یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی که در ساخت‌باوری مورد استفاده قرار می‌گیرد، منطق دوگانه یا تقابل دوگانه نام دارد. اصطلاح تقابل‌های دوتایی، به عنوان مفهومی بنیادی در گستره وسیعی از نوشته‌های نظریه‌پردازان بزرگ قرن بیستم در زمینه‌های زبان‌شناسی و

فلسفی تا نقدهای ادبی مبتنی بر ساختارگرایی و پساساختارگرایی به کار رفته است» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۶۸). تقابل از گذشته مبنای باورها، عقاید و کنش‌های مردمان بوده است و در بسیاری از ادیان، تقابل الهی/شیطانی، نیکی/بدی، نور/تاریکی و... دیده می‌شود. بنابراین «یکی از عملکردهای بنیادین ذهن آدمی خلق تقابل‌هاست» (برتنس، ۱۳۸۴: ۷۷). در «همسایه‌ها» پدر خالد عقایدش عوض می‌شود و به کویت می‌رود و به پسرش که در زندان است افتخار می‌کند. کتاب اسرار قاسمی را رها می‌کند. خالد از حرف‌های روحانی عقب مانده که درس را بیش از چهارم نخواند ولی خالد پس از کمی کار کردن در قهوه خانه تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرد. رادیو و تغییرات در ناصر دوانی و دیگر امور به تقابل سنت و تجدد اشاره دارد. در رمان «شیکاگو» تقابل سنت و تجدد از زمان حضور شیما در مصر شروع شده است. درس خواندن برای یک دختر محجب، سفر تنهائی به آمریکا؛ آن هم دختر سی ساله مجرد. مخالفت‌ها و لجبازی شیما نماد بسیار بارز این تقابل است. ولی سخنان زینب در مورد حجاب که ۵۰ زن در سازمان هستند بدون حجاب و او تنها محجبه است و بیان آنچه برایش مبارزه می‌کرد، خیالی بیش نبوده و خیلی‌ها در زندگی روزمره غوطه‌ور شده و آن حرف‌های سابق کاملاً پوچ و بی ارزش نمایان شده است. او در مصر بیکار و ادارات بی خود است و سنت کار جایی ندارد و فقط وقت گذرانی و دریافت حقوق اصل است. این سخنان دکتر صلاح را متوجه استحاله مبارزین می‌کند و او را بیدار می‌کند. این تقابل در هر دو رمان به یک میزان مطرح و مورد عنایت است و نمی‌توان یکی را برتر دانست. در شیوه بیان این تقابل تفوق مربوط به *اسوانی* است که با تسلط بر امور مؤثر بر این تجدد و تقابل توانسته آن را برای خواننده ملموس و مقبول بنماید. «همسایه‌ها» نوشته احمد محمود و «شیکاگو» نوشته علاء *الاسوانی* در دو بخش ساختار و محتوا به این نحو تطبیق یافته‌اند. پیرنگ در هر دو رئالیستی است و هر دو عناصر تصادفی را دارند، ولی *اسوانی* تصادف را بیش‌تر از احمد محمود به کار برده است. گره افکنی‌ها و گره گشائی با توجه به طولانی بودن دو داستان بسیار خوب و عالی است. در «شیکاگو» قطع و ورود به بقیه داستان موازی دیگر و یا آغاز معرفی یک شخصیت جدید و شرح مبسوط آن مثل دنیس بیکر یا صفوت شاکر با گراهام و... بسیار بر این کشش افزوده است و رمان «شیکاگو» را برتر نموده است.

نتیجه بحث

از مباحث مطرح شده در مقاله نتیجه می‌گیریم که موضوع هر دو رمان موضوع تکراری بوده است و انتخاب آن به اهتمام هر دو به این مسائل برمی‌گردد. هر دو تغییر و تحول را به ویژه /سوانی/ دنبال کرده‌اند. /سوانی/ سقوط و نابودی را برای شخصیت‌های خود ترسیم نموده ولی /احمد محمود/ بیش‌تر تکامل و رشد و پیشرفت را به ویژه برای قهرمان رمان، خالد، درونمایه (مضمون در هر دو رمان) از موضوع تبعیت کرده است. نوع نگاه دو نویسنده متفاوت است. هر دو درونمایه دین و خرافات و سیاست را مبنای نظر خود برای ترسیم معانات جامعه داستانی خود و مشکلاتشان دیده‌اند. نمادهای نام و مکان و صحنه سازی در هر دو رمان با مهارت و دقت انتخاب و بیان شده‌اند. شاید نتوان نمادها را بی حساب و بدون ارتباط با فکر و طرح و نقشه رمان دید. طرح در هر دو ساده است ولی نقشه در هر دو پیچیده است. نمادهای سیاسی و اجتماعی وظایف بیش‌تری بر دوش دارند. زنان در هر دو رمان در نقش‌های کلیدی و حساس وارد شده‌اند و طبقات و دسته جات و انواع آن‌ها در دو رمان به خوبی ترسیم شده است. /سوانی/ زنان غربی و خواستگاه آن‌ها و رنج و درد سیاهپوستان جامعه آمریکا را از طریق معانات و درد و رنج زنانشان بیان و ترسیم نموده است. گرچه قهرمان /سوانی/ می‌تواند زن شرقی فرض شود، ولی /سوانی/ او را از سایرین در رفتاری‌های خاص هم جنس خود مستثنی نکرده و او را بر اساس مشکل اصلی یک زن که عدم ازدواج و ارضاء عاطفی و غریزه‌ای است به خوبی ترسیم نموده و حتی دیگر زنان غربی و شرقی را مستثنی نکرده است. «همسایه‌ها» نیز همین منوال را برای زنان طی نموده و انواع آنان را ترسیم و خواستگاه آن‌ها را و دلائل و زمینه‌های انحراف را بیان کرده است. در هر دو رمان سنت‌ها به وسیله تجدد و مدرنیته کم رنگ باخته و حتی سنت‌های دینی با توجیهاات به ظاهر مدرن رنگ می‌بازد. این رنگ باختن متأثر از وضع جامعه مدرن جدید و تأثیر آن بر مهاجرین است. به هر حال هر دو نویسنده با تسلط بالا بر آئین و سنت‌ها و احکام شرعی توانسته‌اند گریز شخصیت‌ها و توجیه آنان را به خوبی بیان دارند. در هر صورت از لحاظ محتوا نیز هر دو دارای مشابهت‌هایی در زمینه قهرمانان مختلف، از طبقه متوسط و به پائین بودن، وجود عناصر خائن حکومتی و امنیتی، انواع عقده‌ها و نیازها و کمبودها و نهایتاً انحرافات

جنسی و غریزه‌ای، علاقه وافر به دستیابی به موقعیت و اعتبار اجتماعی. ولی در عناصر زمان و مکان و دیگر عناصر مشترکات و تفاوت‌هایی را دارا می‌باشند. عنصر زن در هر دو تقریباً با همان شکل شرقی آن و در مسیر پیشرفت. قید و بندهای محیطی و فرهنگی و عقیدتی که در برخورد سنت و مدرنیته موجب چگونگی اثراتی بر این جنس است. نقطه مشترک در ویژگی قهرمانان و در هر دو داستان عدم برخورداری مردم جهان سوم و حتی مبارزین از تقوای لازم و اسیر فریب و اغوای زنان بودن و غلتیدن به انواع این انحرافات می‌باشد. در «شیکاگو» جو خارج از مصر با جو آمریکا و یکی بودن اهداف سلطه‌گران به چشم می‌خورد. هم/سوانی خواسته‌های نفس را میل به استبدادگران و اباحی‌گری و عدم تقید همراهی مبارز را با دشمنانش نشان می‌دهد. در مجموع از جهات مختلف رمان «شیکاگو» از قوت و قدرت بسیار بالاتری برخوردار است.



کتابنامه

- احمدی، بابک. ۱۳۷۲ش، **جهان داستان**، چاپ اول، تهران: نشر نارون.
- اخوت، احمد. ۱۳۷۱ش، **دستور زبان داستان**، اصفهان: فردا.
- ارسطو. ۱۳۹۳ش، **فن شعر**، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، تهران: امیرکبیر.
- اسکولز رابرت. ۱۳۷۹ش، **درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات**، ترجمه فرزانه طاهری، اول، تهران: نشر آگه.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. ۱۳۷۴ش، **جام جهان بین**، چاپ ششم، تهران: گلشن.
- الأسوانی، علاء. ۲۰۱۳م، **شیکاگو**، چاپ اول، مصر: دار الشروق.
- ایرانی، ناصر. ۱۳۸۰ش، **هنر رمان**، چاپ اول، تهران: نشر آبانگاه.
- ایوشورل. ۱۳۸۹ش، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه طهمورث ساجدی، تهران: امیرکبیر.
- براهنی، رضا. ۱۳۶۲ش، **قصه نویسی**، چاپ سوم، تهران: نشر نو.
- برتنس، هانس. ۱۳۸۳ش، **مبانی نظریه ادبی**، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: انتشارات ماهی.
- بی نیاز، فتح الله. ۱۳۹۲ش، **درآمدی بر داستان نویسی و روایت شناسی**، تهران: انتشارات افراز.
- تیگم، پل وان. ۱۹۳۱م، **الأدب المقارن**، ترجمه سامی مصباح الحسامی، بیروت: بی نا.
- حدیدی، جواد. ۱۳۸۵ش، **برخورد اندیشه‌ها (هشت گفتار در ادبیات تطبیقی ادب پارسی)**، مشهد: توس.
- حنیف، محمد. ۱۳۸۴ش، **قابلیت‌های نمایشی شاهنامه**، تهران: سروش.
- دستغیب، عبدالعلی. ۱۳۷۶ش، **به سوی داستان نویسی بومی**، تهران: سوره.
- دستغیب، عبدالعلی. ۱۳۸۶ش، **پیدایش رمان فارسی**، شیراز: نوید شیراز.
- رحیمیان، هرمز. ۱۳۷۹ش، **آشنایی با ادبیات معاصر ایران**، تهران: پیام نور.
- رضوانیان، قدسیه. ۱۳۸۹ش، **ساختار داستانی حکایت‌های عرفانی**، تهران: سخن.
- زرین کوب، عبد الحسین. ۱۳۸۳ش، **حکایت همچنان باقی**، تهران: سخن.
- ساجدی، طهمورث. ۱۳۶۰ش، **از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی**، تهران: امیرکبیر.
- ستاری، جلال. ۱۳۷۳ش، **درد عشق زلیخا**، تهران: انتشارات توس.
- شکری، فدوی. ۱۳۸۶ش، **واقع گرایی در ادبیات داستانی معاصر**، تهران: نگاه.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۰ش، **بیان**، تهران: انتشارات فردوس و مجید.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۳ش، **انواع ادبی**، تهران: فردوس.
- شوالیه، ژان و آلن گرابران. ۱۳۷۸ش، **فرهنگ نمادها**، ترجمه سودابه فضایی، تهران: نشر جیحون.
- علی الخطیب، عماد. ۲۰۱۱م، **فی الأدب الحدیث ونقده**، چاپ دوم، اردن: دار المسیره.

کفافی، محمد عبدالسلام. ۱۳۸۲ش، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه سیدحسین سیدی، چاپ اول، مشهد: به نشر.

الگا، ام. دیویدسن. ۱۳۶۰ش، **ادبیات تطبیقی و شعر کلاسیک فارسی**، ترجمه فرهاد عطایی، تهران: نشر پژوهش.

گلستان، لیلی. ۱۳۸۳ش، **حکایت حال**، تهران: معین.

محمدی، ابراهیم. ۱۳۸۸ش، **مبانی نظری ادبیات تطبیقی**، بیرجند: قهستان.

محمود، احمد. ۱۳۵۳ش، **همسایه‌ها**، تهران: امیرکبیر.

مقدادی، بهرام. ۱۳۷۸ش، **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی**، تهران: فکر روز.

مکی، ابراهیم. ۱۳۷۱ش، **شناخت عوامل نمایش**، تهران: سروش.

میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی. ۱۳۷۷ش، **واژه نامه هنر داستان نویسی**، تهران: مهناز.

میرصادقی، جمال. ۱۳۷۶ش، **ادبیات داستانی**، تهران: انتشارات علمی.

ندا، طه. ۱۳۸۷ش، **الأدب المقارن**، ترجمه هادی نظری، تهران: نی.

نعمت‌اللهی، فرامرز. ۱۳۸۵ش، **ادبیات کودکان و نوجوانان**، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

نورتن، آنتالوژی. ۱۳۷۸ش، **مکتب ادبی نانورالیسم با نگاهی به آثار فلوبر**، ترجمه سیدجواد نجفی، تهران: ابرار.

ولک، رنه و وارن، آوستن. ۱۳۸۲ش، **نظریه ادبیات**، مترجمان: ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هلال، محمد غنیمی. ۱۹۸۷م، **الأدب المقارن**، بیروت: دار العوده.

یوسف نجم، محمد. ۱۹۷۹م، **فن القصة**، بیروت: دار الثقافة.

یونسی، ابراهیم. ۱۳۷۹ش، **هنر داستان نویسی**، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۷۷ش، **انسان و سمبول‌هایش**، محمود سلطانی، تهران: جامی.

مقالات

پروینی، خلیل. ۱۳۷۸ش، «**تحلیل ادبی قصه‌های قرآن**»، رساله دکتری زبان و ادبیات عربی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

شهیدین، شهروز و ابوالقاسم امیراحمدی و علی عشقی سردهی. ۱۳۹۹ش، «**بررسی تطبیقی سه اثر داستانی منیرو روانی پور: کنیزو، کولی کنار آتش، اهل غرق**»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد جیرفت، دوره ۱۴، شماره ۵۰، بهار، صص ۹-۳۲.

صالح بک، مجید و هادی نظری منظم. ۱۳۸۷ش، «ادبیات تطبیقی در ایران پیدایش و چالش‌ها»، مجله زبان و ادب پارسی دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۳۸.
محسنی‌نیا، ناصر. ۱۳۸۹ش، «ادبیات تطبیقی، جایگاه و ضرورت‌ها»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، علمی-پژوهشی، شماره ۱۴، بهار، صص ۱۰۲-۸۱.

Bibliography

- Ahmadi, Babak 1993, *World of Story*, first edition, Tehran: Narun Publishing.
- Ekhvat, Ahmad 1992, *Grammar of the story*, Isfahan: Farda.
- Arastoo. 2014, *Poetry technique*, translated by Abdolhossein Zarrinkoob, Tehran: Amirkabir.
- Scholes Robert. 2000, *An Introduction to Structuralism in Literature*, translated by Farzaneh Taheri, I, Tehran: Agha Publishing.
- Islami Nodoshan, Mohammad Ali 1995, *Jame Jahanbin*, sixth edition, Tehran: Golshan.
- Al-Aswani, Alaa. 2013, *Chicago*, first edition, Egypt: Dar al-Shorouk.
- Irani, Nasser. 2001, *Art of Novel*, First Edition, Tehran: Abangah Publishing.
- Iushurel, 2010. *Comparative Literature*, translated by Tahmour Sajedi, Tehran: Amirkabir.
- Braheni, Reza 1983, *Story Writing*, Third Edition, Tehran: No Publication.
- Bertens, Hans. 2004, *Fundamentals of Literary Theory*, translated by Mohammad Reza Abolghasemi, Tehran: Mahi Publications.
- Biniyaz, Fathullah. 2013, *Introduction to Fiction and Narrative Studies*, Tehran: Afraz Publications.
- Tigam, Paul Van. 1931, *Comparative Literature*, translated by Sami Mesbah Al-Hessami, Beirut: Bina.
- Hadidi, Javad 2006, *The Clash of Thoughts (Eight Discourses in the Comparative Literature of Persian Literature)*, Mashhad: Toos.
- Hanif, Mohammad 2005, *Shahnameh Theatrical Capabilities*, Tehran: Soroush.
- Dastgheib, Abdul Ali 1997, *Towards Indigenous Fiction*, Tehran: Sura.
- Dastgheib, Abdul Ali 2007, *The Origin of the Persian Novel*, Shiraz: Navid Shiraz.
- Rahimian, Hormoz 2000, *Introduction to Contemporary Iranian Literature*, Tehran: Payame Noor.
- Rezvanian, Qudsieh. 2010, *Fictional Structure of Mystical Stories*, Tehran: Sokhan.
- Zarrinkoob, Abdul Hussein 2004, *The Story Remains*, Tehran: Sokhan.
- Sajedi, Tahmurath 1981, *from comparative literature to literary criticism*, Tehran: Amirkabir.
- Sattari, Jalal. 1994, *The Pain of Zuleykha's Love*, Tehran: Toos Publications.
- Shokri, Fadavi. 2007, *Realism in Contemporary Fiction*, Tehran: Negah.
- Shamisa, Sirus. 1991, *Bayan*, Tehran: Ferdows and Majid Publications.
- Shamisa, Sirus. 2004, *Literary Types*, Tehran: Ferdows.
- Shovaliyeh, Jean and Alain Grabran. 1999, *Culture of Symbols*, translated by Soodabeh Fazaili, Tehran: Jaihun Publishing.
- Ali al-Khatib, Imad. 2011, *in the literature of hadith and criticism*, second edition, Jordan: Dar al-Masira.
- Kafafi, Muhammad Abdul Salam 2003, *Comparative Literature*, translated by Seyed Hossein Seyed, first edition, Mashhad: Beh Nashr.
- Olga, M. Davidson. 1981, *Comparative Literature and Classical Persian Poetry*, translated by Farhad Ataei, Tehran: Research Publishing.

- Golestan, Leily. 2004, *The Story of Now*, Tehran: Moein.
- Mohammadi, Ibrahim 2009, *Theoretical Foundations of Comparative Literature*, Birjand: Ghohestan.
- Mahmoud, Ahmad 1974, *Neighbors*, Tehran: Amirkabir.
- Meqdadi, Bahram. 1999, *Dictionary of Literary Criticism Terms*, Tehran: Fekr Rooz.
- Maki, Ibrahim. 1992, *Recognition of the factors of the play*, Tehran: Soroush.
- Mirsadeghi, Jamal and Meymant Mirsadeghi. 1998, *Dictionary of the Art of Fiction*, Tehran: Mahnaz.
- Mirsadeghi, Jamal 1997, *Fiction*, Tehran: Scientific Publications.
- Neda, Taha. 2008, *Literary Literature*, translated by Hadi Nazari, Tehran: Ney.
- Nematollahi, Faramarz, *Children and Adolescents Literature*, Tehran: Iran Textbook Publishing Company.
- Norton, Anthology. 1999, *Literary School of Naturalism by taking a Look at Flaubert's Works*, translated by Seyed Javad Najafi, Tehran: Abrar.
- Volk, René and Warren, Austen. 2003, *Literary Theory*, Translators: Zia Movahed and Parviz Mohajer, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Hilal, Mohammad Ghanimi 1987, *Comparative Literature*, Beirut: Dar Al-Awda.
- Yousef Najm, Mohammad 1979 AD, *Art of Story*, Beirut: Dar Al-Thaqafa.
- Younesi, Ibrahim. 2000, *The Art of Fiction*, Tehran: Negah Publishing Institute.
- Jung, Carl Gustav. 1998, *Man and His Symbols*, Mahmoud Soltanieh, Tehran: Jami.

Articles

- Parvini, Khalil 1999, "Literary Analysis of Quranic Stories", PhD Thesis in Arabic Language and Literature, Tehran: Tarbiat Modares University.
- Shahidin, Shahrooz and Abolghasem Amirahamdi and Ali Eshghi Sardehi. 2010, "Comparative study of three fictional works of Moniro Ravanipour: Kenizo, Gypsy by the fire, drowning", *Quarterly Journal of Comparative Literature Studies*, Jiroft Azad University, Volume 14, Number 50, Spring, pp. 9-32.
- Saleh Beck, Majid and Hadi Nazari. 2008, "Comparative Literature in Iran, Genesis and Challenges", *Journal of Persian Language and Literature*, Allameh Tabatabai University, Vol.
- Mohseniya, Nasser. 2010, "Comparative Literature, Position and Necessities", *Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature, Scientific-Research*, No. 14, Spring, pp. 102-81

**A comparative study of the novels "Chicago" by Alaa Al-Aswani and
"Neighbors" by Ahmad Mahmoud**

Date of Received: June 25, 2020

Date of Acceptance: September 5, 2020

Mandana Mangali

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mandana5m@gmail.com

Abstract

The novel "Chicago" (2007) is one of the most powerful and most popular contemporary novels in the world in the field of culture and literature. Alaa Aswani (born 1957), a well-known Egyptian writer, deals with the conflicts of Egyptian-American life in the novel "Chicago", conflicts resulting from the behaviors of a young Egyptian in the United States. Ahmad Mahmoud (1331-2002) is one of the writers of the southern school in Iran and the novel "Neighbors" was written in accordance with the coup d'etat of 1948, i.e, the first half of the 20th century and it investigates the problems and atmosphere ruling the colonized countries and peoples of the Third World and depicts them. Symbolism is present in both works. The time and place and the multiplicity of characters and the plot and elements are very strong in both. Aswani looks at oppression and discrimination through the intellectual community and sees the penetration of the incompetence of the governing commission in this part of society and even outside the borders. But Ahmad Mahmoud has a biased view of the conditions prevailing in the people and has pursued this issue with the theme of poverty and misery.

Keywords: elements of story, content, structure, symbol, tradition and modernity.